

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقري
فرستنده: محمود شاداد
۲۸ مارچ ۲۰۱۹

[دنیا بقا ندارد]

دنیاست خوب و دنیا، لیکن بقا ندارد
هرچیز در شکستن فریاد می برآرد
دانی چنار با خود آتش زند چه باعث
شخصی که بینوا شدخانه به دوش گردد
هرچند دختر رز در میکده عروس است
دلدار پر غرورم بسیار مست ناز است
این حرف را به تکرار از هرکسی شنیدم
بار هروی بگفتم این راه کدام راه است
کرد هرکه را نشانه یک ذره بج نگرده
فرزند ارجمندم گر چه قمار باز است
نزد طبیب رفتم خندیده اینچنین گفت
در صفحه کتابی دیدم نوشته این بود
یارب تو کن حفاظت پامانده عشقري را
افتاده عشقري را بالای خاک دیدم

دارد چو بی وفائی یک آشنا ندارد
اما شکست دلها هرگز صدا ندارد
سرتا به پای دست است، دست دعا ندارد
در هر کجا که باشد بیچاره جا ندارد
افسوس دست و پایش رنگ حنا ندارد
چون سایه در پیش من، رو بر قفا ندارد
ظالم به روی دنیا ترس از خدا ندارد
گفتا که راه عشق ست هیچ انتها ندارد
دست قضا به عالم تیر خطا ندارد
لیکن نماز خود را هرگز قضا ندارد
درد تو درد عشق است هرگز دوا ندارد
صد بار اگر بمیرد عاشق فنا ندارد
بر دشت حیرت آباد پشت و پناه ندارد
گفتم به این ادیبی یک بوریا ندارد